

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۸ اگست ۲۰۰۹



علیحضرت امان الله خان غازی در هنگام اسپ سواری

افغانستان، پرچمدار و علمبردار استقلال

هیچ لاف و گزاف و خودستائی و باصطلاح شیک، "خود بزرگ بینی"، نیست، وقتی میگوئیم که افغانستان "پیشقراول" است در دریدن سیطره استعمار و در پاره کردن حلقه های غلامی؛ و سرمشق است، در آزادی و آزادی پرستی. این عین واقعیت است و تاریخ پرتلاطم ما این نکته را بار بار و به تکرار ثابت ساخته است. اگر از روزگاران دور بگذریم، میتوان جنگهای دو صد و پنجاه ساله مردم این سرزمین را در برابر استیلای عرب، با خط جلی نشان داد. و نتنها این، بلکه مردم این خاک پاک اولین مردمی بودند، که خود را از زیر یوغ امپراتوری خلافت اسلامی نجات داده و دولتهای مستقل را بنیاد نهادند.

و اگر به زمانه های نزدیک به ما نظر اندازیم، یک قرن نبرد خونین و ایستادگی دلاورانه در مقابل امپراتوری خون آشام استعمارگر انگریز، مثالیهست که شهره آفاق گردیده است و بزرگان تاریخ جهان از آن به بارنامه و با زه و تحسین یادها کرده اند.

و در زمانه خود ما، مقاومت بی نظیر مردم ما در برابر اشغالگران سوسیال امپریالیست روس که با خروج خجالتبار شان از افغانستان عزیز توأم بود، مثالیهست که جهان و جهانیان حقین هرگز فراموش کرده نمیتوانند. بدون شک که جنگهای آزادیبخش، نتنها کشوری را از یوغ اجانب نجات میدهد، بلکه سرمشق و تکانی برای ممالک در بند دیگر نیز میگردد. و چه بسا که موفقیت نبرد های استقلال طلبانه یک کشور، حتی بیخ متجاوز و

اشغالگر را از یک منطقه و قاره بر میکند. چنانکه، جنگ استقلال افغانستان، لرزه بر اندام استعمار انگریز انداخت و مردم اسیر نیم قاره هند را به تحرک واداشت. بدون شک میتوان ادعاء کرد، که امپراتوری سفاک انگریز بعد از شکست های متواتر از غازیان و سربکفان افغان، از جوش و خروش و ابهت و جبروت افتید.

به همین منوال شکست مفتضحانه اردوی خون آشام شوروی سوسیال امپریالیستی در میادین جنگ افغانستان، نتنها کاخ کرملین را به لرزه افگند، بلکه تکانی بود در تمام قلمرو وسیع شوروی و ممالک محروسه آن در اروپای شرقی. بی جهت نیست، که در سال ۱۹۸۹، یعنی همان سال خروج ذلتبار قوای شوروی از افغانستان، تمام ممالک اقمار شوروی، یکی ز پس دیگری، به استقلال رسیدند. و بعد نوبت به خود این امپراتوری شیطانی رسید و ما دیدیم، که این قلمرو وسیع که بر اثر تجاوزات چندین قرنه بوجود آمده بود، خود نیز پاره پاره و توته توته شد و از بطنش ۱۶ مملکت مستقل تولد یافتند؛ با هویت های ملی مطابق با هویت های تاریخی خویش. و هنوز هم در این کشوری که حکم یک "قاره بزرگ" را دارد، نهضت های آزادیخواهی در جوش است که دیر یا زود، خواسته های مردم تحت ستم این قلمرو را برآورده خواهد ساخت.

پس آنچه در قلمرو شوروی و ممالک محروسه آن رخ داد، نمیتواند با استدلالات پاچوبین، کذائی و مردم فریب "انقلابات مخملین و نارنجی و انقلابات صلح آمیز و چه و چه و چه" توجیه گردد. چه سرنوشت این ممالک در میدانهای جنگ و در رزمگاه های افغانستان و بضررب شمشیر رزم آوران و معرکه جویان دلیر افغان رقم زده شد. هر توجیه دیگر، نتنها ظلم بر "حق" و "حقیقت" است، بلکه ظلم بر "تاریخ" هم هست.

می بینیم، که افغانستان عزیز در ظرف یک قرن، دوبار طلایه دار "استقلال" گردید و مشعل آزادی را در آسیا و اروپا و اقصا نقاط و کران تا کران گیتی بر افروخت. اگر ابتدای قرن بیست، که مقارن با استرداد استقلال افغانستان است، بر اثر رشادت دلاوران سر بکف افغان، زلزله ای در امپراتوری انگریز افتید. در آخر همین قرن، کاخ ستم شوروی و قلمرو شیطانی آن از هم فرو ریخت. از همین جا به جرأت میتوان گفت، که:

افغانستان عزیز و سرافراز، حتی در زمانه خود ما و در روزگار حیات نسل موجود نیز، "مشعل افروز" و "پرچمدار" و "پیشقراول" استقلال در جهان تحت ستم استعمار گردیده است.

متأسفانه که جهانخواران و آزمندان سیری ناپذیر جهان همیشه چشم بر خاک پاک ما دوخته نگهمیدارند. از همین رو اگر خرسی وحشی گریخت، جایش را گرگی سفاک و کفتاری بی آرم گرفت. سؤالی که در آستانه و بحبوحه سالگرد استقلال مطرح میگردد اینست که: آیا با وجودی که کشور ما همین اکنون در اشغال قوای ناتو قرار داشته و "استقلال" ندارد، میتوان دم از "استقلال" زد و "سالگرد استقلال" را تجلیل نمود؟؟؟

من میگویم که تجلیل از نودمین سالگرد استقلال افغانستان درست در همین لحظه ای که افغانستان در اشغال قوای خارجی قرار دارد، از اهم امور است و برخوردار از اهمیت بسزا. چون:

- این تجلیل در حقیقت مشت محکمی بر دهان آنانی حواله میکند، که با هزاران بهانه واهی آمده اند و مملکت عزیز ما را زیر سلطه خویش آورده اند.

- تجلیل هرچه شاندار تر از این سالروز پریممنت، در واقع هشدار نیست نمایان به استعمار گران و تمام آنانی که خود را زیر نام کذائی و دروغین "قوای آورنده صلح و ثبات جامعه جهانی برای افغانستان" پنهان کرده و عملاً سرنوشت افغانستان عزیز را در ید خبیث قدرت خود گرفته اند.

- بزرگداشت از این روز تاریخی و مقدس افغانستان، به ممالک اشغالگر برهبری اتازونی، جداً هوشدار میدهد، که روح آزادی و دفاع از وطن، در افغانان و افغانستان، هنوز زنده و حی و قیوم است و دیر یا زود دامن ایشان را نیز خواهد گرفت.

- تجلیل از این روز باعظمت یاددهانی قاطع به آنانیست، که درس گزنده تاریخ را نخوانده اند.

- و بالاخره جشن گرفتن و تبجیل از این روز تاریخی، اختاریست به همه آن ماجراجویانی که سرنوشت استعمار را در میدانهای جنگ افغانستان در دو قرن گذشته فراموش کرده اند، که گفته اند:

تاریخ هر آینه بر آنانی تکرار میگردد، که از وقایع تاریخی عبرت نمیگیرند!!!!

اینک که افغانان آزاده، نودمین سالگرد پریممنت استرداد استقلال افغانستان را جشن میگیرند، لازم است که بدرجه اول به یاد تمام جانبازان و غازیانی افتیم، که سر به کف، به نبرد دشمن رفتند و تا استعمار را از وطن نراندند، شمشیر بزمین ننهادند.

دروود بی پایان به روان مطهر تمام آنانی که استقلال را با خون پاک و جان شیرین خود خریدند!!!!

دروود بی پایان به روان پاک هزاران جانباز گمنامی که خاص بخاطر احراز آزادی و دفاع از وطن، وارد میدان

نبرد شده، خون دادند و خون دشمن ریختند، ولی امروز کسی از ایشان نامی هم نمیبرد!!!!

دروود بی پایان به روح پرفتوح اعلیحضرت امان الله خان غازی، پادشاه آزاده و ترقیخواه افغانستان که در روز میمون اعلان سلطنت، به مردم و جهان چنین اعلام کرد:

« تا استقلال عام و تام افغانستان را از انگریز نگیرم،

این شمشیر را در نیام نخواهم کرد!!!! »